

طیبه
غفاری

سهولت انحلال

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دیروز در روزنامه خواندم که رشته خانه‌داری دبیرستانها منحل می‌شود و خانه‌داری را ضمیمه هنرستان حرفه‌ای می‌کنند که زیر نظر قسمت حرفه‌ای و فنی وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد و اضافه شده بود که برای این رشته مخارج زیادی میشد در حالیکه دیپلمه‌های این رشته نه بدان‌شگاه راه داشتند نه مؤسسات آنها را استخدام میکردند و اکثراً نیز امور مربوط به خانه‌داری را بعزت نداشتن و سایر کفای کاملاً فراموش کرده بودند و اینک با اجرای این برنامه کار عملی را در هنرستان حرفه‌ای بخوبی یاد خواهند گرفت و پس از اخذ دیپلم از وجود آنان در مراکز مختلف استفاده خواهد شد.

ما از بس از رادیو و روزنامه از اینگونه خبرها شنیده و خوانده ایم میدانیم که فقط برای خواندن و شنیدن است دیگر نه توجه میکنیم و نه ملتفت میشویم .

ما مکرر خواننده و شنیده ایم که هر وزیر یا رئیس در فلان دستگاه گفته است قبل از من همه چیز بدو خراب و مزخرف بود و من وارث دستگاه پریشان و پاشیده ای بودم و باتدبیر خود طرح نوریختم و همه چیز را درست کردم، اساس هجو و مزخرف گذشته را برانداختم و بنیادی گذاشتم که از باد و باران و سیل و طوفان آسیبی نخواهد دید و این آقای شیرین سخن خیال می کند که با آب و تاب و لغات و عبارات مردم را جذب و جلب می کند و همگی دلائل دلاویزش را پذیرفته و لیاقت و کاردانی او را تقدیر می کنند و بهر ایشکارو اندیشه نو آفرین می گویند .

این آقایان سابقه و لاحق را فراموش می کنند و نمی خواهند بدانند که مردم پیوسته این حرفها را شنیده اند و خواهند شنید و باور کنند که کسی باور نمی کند .

اگر اخبار رادیو و جراید را پهلوی هم بگذاریم و این ادعاها را صحیح بپذیریم که همیشه سال پیش بد بوده و سال بعد بعد کمال آمده و سابق نسبت بحال بدو نکو هییده بوده است باید ما حالا از تمام کشورهای مترقی جهان جلوتر باشیم. يك مسئله ای که من نمیفهم این است که آیا وزیر جدیدی که چند صباحی اختیار دستگاهی را بدست میگیرد حق دارد بدون مجوز منطقی اساس گذشته را که اسلاف او با ملیونها تومان پول این ملت فقیر بنا نهاده اند از هم پیاشو و بساط دیگری پهن کند؟ و این علماء از کجا این علوم را کسب کرده اند که بتوانند اساس موجود را بهم پاشیده و به دلخواه خود طرح نو بریزند و چه تضمین و تعهدی سپرده اند که خلف آنها با همین استدلال کارایشان را تخطئه نکنند و زیر و رو نسازند و نغمه نو ننوازند؟ معلوم نیست چه وقت کارهای کشور ما بر پایه ثابتی قرار میگیرد و چه وقت متصدیان امور نقشه و برنامه های یکدیگر را تصدیق میکنند و خشت روی خشت یکدیگر می گذارند و اقدامات و اصلاحاتی را که بیش از ایشان شده و ملیونها تومان پول و مدتها عمر و وقت ملت و مملکت به بهای آن رفته است تکمیل می کنند؟

تا کی هر کس رفته بد بوده و هر کس هست خوب و عالی است و ما تمیخواهیم از کسیکه سر کار است انتقاد کنیم؟ تا کی آنها را که سر کارند به صفاتی که ندارند مدح میکنیم و وقتی که رفتند به صفاتی که در آنها نیست ذم می‌کنیم؟ یعنی تا مصدر کارند بدیهای آنان را نادیده گرفته یا بخوبی تعبیر می‌کنیم و خوبیهای ایشان را جلوه و جلا میدهیم ولی همینکه از کار افتادند برای خوش آمد جانشین ایشان بدیهای مسکوت را بصدا در میاوریم و حرارت خوبیهای مشهود را زیر خاکستر پنهان میکنیم؟.

تا چند آروغ شاغلین را عطسه و عطسه های رفتگان را آروغ مینامیم . من نمیخواهم با انتقادات معقول مخالفت کنم بلکه انتقادات را بهترین وسیله اصلاحات می‌شناسم و من نمیخواهم فکر نو رکارنو و ابتکار و پیشقدمی را محکوم کنم بلکه باجمود و رکود و در جازدن مخالف و ناسازگارم . من نمیخواهم روحیه اعتقادی را با روحیه انتقادی به جنگ بیاورم ولی راضی هم نیستم که انتقاد وابسته بتعصب و احساسات، اعتقاد مولود مطالعه و عقل و اندیشه را تحت تأثیر خودخواهی و غرور شخصی قرار دهد و هر قدرتی که مسئولیتی در پی نداشته باشد تملیلات و رؤیایها و افکار واضطرابات خود را در زندگانی مردم منعکس کند من در حالیکه ثبات قدم را می‌پسندم بدنیات عقاید خوشبین و مباهی نیستم و در اغلب موارد ثبات عقیده را مولود رکود فکری و عدم مطالعه و گاهی نشانه واضح جهل یا حماقت میدانم ولی این روش را که هر کسی بهر کاری دست بزند فوراً و بدون دقت و مطالعه و شور دورانندیشی و بدون احترام به قدمت و اصالت و بدون رعایت افکار جامعه و احتیاجات جمعیت و بدون اینکه نمونه ثابتی از آنچه میخواهد و میتواند در مخیله خود مجسم داشته باشد بهر جا و هر چیزی که میرسد تغییری بدهد و مانند نمونه گویای اتوبوسرانی مایه پریشانی و سرگردانی و تنزل نتیجه و تصاعد قیمت باشد معارض و مزاحم هدف های عالی انقلابی امروز کشور میدانم. من به هنر و حرفه و تأسیسات فنی و مؤسسات و مدارس حرفه ای معتقد و امیدوارم و قطع و یقین دارم اگر مثلاً مهندس حبیب نفیسی از روزیکه با یک دنیا شوق و یک عالم عشق و تلاش و کوشش دست

بکار شهر صنعتی کرج زد باقی مانده بود و جا بجا نشده بود تا امروز بزرگترین و بهترین قدم ها را در راه خدمت به نسل جوان این کشور برداشته بود و یک چنان فردی که مقام و موقعیت اداری را در هدف و مقصود خدمت حل کرده و برای اجرای مقاصد و اهداف صادقانه‌ای عناوین اعتباری را در شخصیت خود هضم کرده بود برنامه خود را تعقیب و اجرا میکرد و جوانان مستعد قشرهای زیرین اجتماع تاکنون قدمهای بلندی بسوی ترقی برداشته و با حرکاتی دینامیک چرخهای نهضت نورا به جلو میراندند ولی نمیتوان باورکنم و بپذیریم که حذف دروس خانه‌داری یعنی معافیت عمومی دختران از این ماده برنامه تحصیلی دو قدم به عقب نباشد و مانند بلیط فروشی و کیوسک های شرکت واحد سلب و ایجاب آن غیر از پوزش و اعتراف اثری بگذارد .

من میدانم که دختر خودم با وجود اینکه از ابتدائی تالیسانس طلبه ممتاز و دانشجوی پیشسازی بود در رشته خانه داری از تدریس مدارس طرفی نبسته و فیضی نبرده است و نمیدانم آنها که تجدیدی یا مردود بوده اند چه فهمیده و چگونه ارزیابی یا ارزشیابی میشوند ولی این را میدانم که دختران و زنان ما در هر رشته و حرفه‌ای و هر رتبه و مقامی که باشند برای دنیا و آخرت باید از تعلیمات مذهبی و فنون خانه‌داری و تدبیر منزل بهره‌مند شوند زیرا در هر حال و صورت قسمت اعظم عمر آنان باید در خانه و خانواده صرف گردد و این وظیفه تمام وظائف دیگر آنان را تحت الشعاع میگذارد. زنیکه از تدبیر منزل و خانه و خانواده بی بهره باشد و نتواند شوهر و فرزندان خود را اداره کند به دیناری نمی‌ارزد یعنی نه زن است و نه میتواند مرد باشد یعنی وقتی که طراوت و امکانات ثلث اول حیات را از دست داد تنها و بی کس و بی تکیه‌گاه است بنابراین تاسیس و تکمیل هنرستان و تقویت و استقلال رشته‌های حرفه‌ای برای داوطلبان حرفه‌ای بهیچوجه ناپایدار و مزاحم تدریس و بهبود تدریس خانه‌داری علمی و عملی مدارس عادی باشد بلکه بر فرهنگ ما و برداشتمندان علاقه‌مندی که در رأس این دستگاه‌سازنده و ارزنده آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر تلاش و کوشش می‌کنند فرض و لازم است که دختران ما را قبل از هر چیز برای

تشکیل خانه و خانواده و تربیت و تعلیم نسل‌های آینده آماده و مهیا سازند و بطن قوی در خیر جرائد ادای مقصود واقعی نشده و ضم هنرستان جرفه‌ای خانه‌داری را حذف کلی برنامه خانه‌داری و محرومیت از مقدمات ضروری و متناسب سایر دانشجویان تلقی و اخبار کرده‌اند.

در حرکات دو جانبه صعودی و نزولی بین دو قطب خردسالان و سالخورده‌گان که باید به کمک دانش و بینش جوان و میان‌سالان و بازنشستگان بقاء و ارتقاء نسل آینده را تامین کنند از این نکته نباید غفلت شود که امروز فردا و در آینده همیشه جامعه بوجود پیران از لحاظ تجاری که آموخته‌اند نیاز فراوان دارد و آنان می‌توانند از راه کتاب، سخنرانی، و مقاله، از راه درس و بحث و داوری و اندرز حکیمانه غرور و خودخواهی و هوا و هوس مانع لغزش اینان باشند و زور و بازورسائی صدا بلندی اندام و زیبایی طاهر و تند و چابکی را با تدبیر و تجربه و منطق و تعقل به نیکی سامان دهند و میراثی را که از نسل‌های گذشته برده‌اند به نسل‌های آینده بازگذارند و از اندوخته خویش به فرزندان آینده وام دهند و به نسل‌های بعدی حواله کنند و از آنچه که از گذشته دیگران درویده‌اند برای آیندگان بکارند. ما برای اتخاذ تصمیم و طرح برنامه و تغییر روش و تعیین خط مشی اساسی در فرهنگ، در دادگستری و در هیچیک از مواضع و مقامات حساس کشور از پیران خردمند بی‌نیاز نیستیم. حالا به بینیم و تعریف کنیم.

ز تدبیر پیر کهن برنگرد	که کار آزموده بود سالخورد
در آرند بنیاد روئین ز پای	جوانان به نیروی و پیران به رای
خردمند باشد جهان دیده مرد	که بسیار گرم آزموده است و سرد
جوانان شایسته بخت ور	ز گفتار پیران نیچند سر

حکمت آموز

- عفو مایه عزت و نتیجه شرف و فضیلت است.
- عفو در قدرت، نشانه دلیری است.
- عفو از کسی نیکوست که قدرت انتقام دارد.
- عفو پادشاه، ملک را پایدار میکند.
- عفو در حال غضب، بخشش هنگام تنگدستی تحمل حین قدرت لذت دارد.
- عفو زیردستان انسان را از جور زبردستان مصون میدارد.
- عفو انتقامی ملایم است.
- عفو بعد از پیروزی از مکارم اخلاق است.
- عفو و فراموشی بهترین انتقام است.
- عفو وقتی شیرین است که بردشمنی دست یافته باشی.
- عفو برای خوشنودی دائمی و انتقام برای خوشحالی موقتی است.
- عفو بعد از فتح و ظفرشکرانه توانائی است.
- عفو و اغماض کنید خداوند هم بسیار آمرزنده و مهربان است.
- عفو پیشه کن، به نیکوکاری امر کن، از نادان روگردان.
- عفو از خدا بخواهید محمد (ص) گفت روزی صد بار طلب عفو میکنم.
- عفو لذتی دارد که انتقام ندارد.
- عفو از بزرگان تقصیر از کوچکان است.
- عفو خداوند بزرگتر از گناه بنده است.
- عفو بهنگام قدرت تواضع بهنگام دولت و بخشش بدون منت پسندیده است.